



رسانه  
و

مرکز تحقیقات و گفتاور علوم اسلامی

# انحرافات اجتماعی

حجت الاسلام والمسلمین محمد رضا ضمیری

کارشناس ارشد جامعه شناسی



## چکیده:

امروزه صاحب‌نظران علوم ارتباطات با اذعان به توانایی شگرف رسانه‌های جمعی در شکل‌دهی افکار، نگرش‌ها و رفتار افراد، مطالعات مختلفی را در مورد سنجش میزان و نوع تأثیرات رسانه‌ها انجام می‌دهند. آنان بیان می‌دارند که وسائل ارتباط جمعی قادرند با کارکردهای منفی و تخطی از اخلاق رسانه‌ای، سلامت فکری و اخلاقی آحاد جامعه را تهدید کنند و الگوهای ناپهناج‌ر رفتاری را در جامعه تثبیت نمایند و از سوی دیگر می‌توانند با توجه به کارایی و توان رسانه‌ها، نرخ وقوع انحرافات اجتماعی را کاهش دهند.

در این نوشتار برخی از کارکردهای فوق‌تبیین گردیده و در پایان در جهت تقویت کارکردهای مثبت رسانه‌های جمعی در پیشگیری از انحرافات اجتماعی پیشنهاداتی ارائه شده است.

## واژگان کلیدی:

انحرافات اجتماعی، رسانه‌های جمعی، کارکردهای مثبت، کارکردهای منفی.

## رسانه ها و انحرافات اجتماعی

در طول تاریخ، هر جامعه‌ای برای قاعده‌مندی رفتار اعضایش، هنجارهایی را تعریف و نهادینه کرده و آنها را به رعایت آن قواعد و هنجارها ملزم نموده و در برابر تخلف و سرپیچی از آنها نیز واکنش نشان داده و مجازات‌هایی را تعیین کرده است.

متفکران اجتماعی و جامعه‌شناسان نیز جهت کاهش هنجارشکنی افراد جامعه، به بررسی علل و عوامل مؤثر در انحرافات و بروز کجروی‌های اجتماعی پرداخته‌اند و در عصر ارتباطات به تأثیر رسانه‌ها و وسائل ارتباط جمعی در کنترل و یا گسترش انحرافات اجتماعی اشاره کرده‌اند. بر این اساس، تبیین کارکردهای مثبت و منفی رسانه‌ها در این زمینه ضروری می‌نماید. لذا محور بحث در این نوشتار توضیح و تبیین کارکردهای مختلف رسانه‌های جمعی در خصوص انحرافات اجتماعی می‌باشد. پیش از ورود در بحث، لازم است مفاهیم کلیدی به طور مختصر توضیح داده شود.



### ۱- مفاهیم کلیدی

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

#### ۱-۱) انحرافات اجتماعی

انحراف هر گونه رفتاری است که با انتظارات جامعه یا یکی از گروه‌های مشخص درون جامعه منطبق نباشد. به عبارت دیگر «انحراف»، دوری جستن و فرار از هنجارها تعریف می‌شود.

انحرافات اجتماعی<sup>۱</sup> دارای اقسامی از قبیل انحرافات نخستین (یعنی انحراف فرد به طور گذرا و تصادفی) و انحرافات ثانوی (یعنی منحرف شدن فرد از نظر عموم افراد جامعه) است و همچنین برای تبیین علل انحرافات اجتماعی نیز سه مکتب عمده پدید آمده است:

اول: مکتب زیست‌شناسی که عوامل انحراف را در ترکیب ناموزون کروموزوم‌های بدن شخص منحرف جستجو می‌کند.

دوم: مکتب روانشناسی که انحراف فرد را بر اساس نقص شخصیت وی توجیه می‌نماید.

سوم: مکتب جامعه‌شناسی که بیان می‌دارد رفتار انحرافی افراد متأثر از عوامل اجتماعی است، زیرا عوامل روانی بازتاب ساختارهای اجتماعی می‌باشد.

### ۱-۲) رسانه‌های جمعی

رسانه‌های جمعی<sup>۲</sup> به تمام ابزارهای غیر شخصی ارتباط گفته می‌شود که به وسیله آن، پیام‌های دیداری و یا شنیداری به طور مستقیم به مخاطبان انتقال می‌یابند، تلویزیون، رادیو، سینما، اینترنت، ماهواره و مجلات، کتب و ... در زمره رسانه‌های جمعی محسوب می‌شوند.<sup>۳</sup>

«ژودیت لازار» در مورد اهمیت و نقش رسانه‌ها می‌گوید: رسانه‌ها نقش‌های متعددی را در حیات اجتماعی به عهده دارند، از جمله اینکه صحنه‌ای را ایجاد می‌کنند که حیات سیاسی در آن به نمایش گذاشته می‌شود، فرهنگ بال می‌گستراند، مدها جولان می‌دهند، سبک‌های تازه و هنجارهای زندگی رخ می‌نمایند.<sup>۴</sup>

### ۱-۳) کارکرد

کارکرد<sup>۵</sup> عبارت است از حاصل یا نتیجه نوعی وجود یا عمل (حرکت) اشخاص یا اشیاء و از جمله پدیده‌های لمس‌ناپذیری چون الگوهای فرهنگی، ساختارهای گروهی و نگرش‌ها.

به دیگر سخن، «کارکرد» به معنای نقش یا اثری است که هر پدیده در زنجیره‌ای از پدیده‌هایی که با آنها مرتبط می‌باشد، باقی می‌گذارد. دورکیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی، کارکرد را در همین معنا بکار برده است.<sup>۶</sup>

«ویلیام اسکیدمور» معتقد است بهترین راه برای فهمیدن این واژه، در نظر گرفتن آن به عنوان یک اثر است و فونکسیون هر عملی، اثر آن است.<sup>۷</sup>

«مرتن» نیز کارکردهای اجتماعی را به کارکردهای آشکار و پنهان و کارکردهای مثبت و منفی تقسیم کرده است، تا این تلقی بوجود نیاید که آثار اجتماعی یک رفتار یا نهاد اجتماعی، الزاما از آثار آشکار و مثبت جامعه حکایت می‌کند.

## ۲- کارکردهای مثبت

بیان انحرافات اجتماعی از رسانه‌ها اثرات و کارکردهای اجتماعی مثبتی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### ۱-۲) اطلاع‌رسانی و هشدار

یکی از کارکردهای اساسی رسانه‌ها اطلاع‌رسانی از وقایعی است که در محیط اجتماعی واقع می‌شود. پیشرفت بهت‌انگیز وسائل ارتباط جمعی در قرن حاضر جهان را به دهکده کوچکی تبدیل کرده است که انسان‌ها امکان اطلاع‌یابی از همه وقایع و حوادث جهان را به طور سریع و جامع دارند. در عصر ارتباطات هیچ حادثه‌ای هر چند در دورترین مناطق جهانی باشد - منحصربه‌یک منطقه جغرافیایی نیست<sup>۱</sup> و از این رو سه ویژگی، فرازمانی، فرامکانی و سرعت فوق‌العاده از خصیصه‌های وسائل ارتباط جمعی است. امروزه تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها در رسانه‌ها رسوخ کرده و از خصوصی‌ترین رفتار انسان‌ها تا بزرگ‌ترین تغییرات نهادهای اجتماعی و ساختارهای فرهنگی و سیاسی از طریق رسانه‌ها ارائه می‌شود.

رسانه‌های جمعی اعم از روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون، گاه از انحرافات اجتماعی، نظیر تجاوز، خشونت، قتل و... پرده برمی‌دارند و زوایای پنهان داستان‌های عشقی و جنایی را برای مخاطبان خود آشکار می‌سازند و انواع دام‌هایی را که بر سر راه جوانان قرار دارد، به آنان گوشزد می‌نمایند و راه‌های لغزش دیگران را برای مخاطبان ترسیم می‌کنند و با اطلاع‌رسانی به موقع و مناسب برای اعضای جامعه، در پیشگیری از انحرافات اجتماعی نقش مؤثری ایفا می‌کنند. رسانه‌های جمعی با شناخت آسیب‌های مختلف اجتماعی و گزارش آن به کنش‌گران اجتماعی، نسبت به گسترش نابهنجاری‌های اجتماعی هشدار می‌دهند و بدین ترتیب کنش‌گران اجتماعی را از نوع رفتارها و خرده فرهنگ‌های کجرو آگاه می‌کنند تا بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای مورد پذیرش جامعه حرکت کنند و در

## فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

دام این گونه خرده فرهنگ‌ها قرار نگیرند. لذا رسالت رسانه‌ها ایجاب می‌کند که ابعاد، نوع و کیفیت شکسته شدن هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را منعکس نمایند تا اعضای جامعه بتوانند، با درک همه جانبه آنها ضمن حفظ خود از ارتکاب انحرافات اجتماعی، از شکسته شدن هنجارهای مقبول جامعه جلوگیری نمایند.

وسائیل ارتباط جمعی می‌توانند با بهره‌گیری از شگردهای تبلیغی و آفرینش‌های هنری، نفرت و زشتی تزلزل باورها و ارزش‌های ملی و دینی را به مخاطبان خود القا کنند. بر این اساس، یکی از وظایف و کارکردهای مهم رسانه‌ها، آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی عمومی است. یعنی اطلاع‌رسانی در مورد وقوع جرائم و انحرافات اجتماعی و کیفیت وقوع و ابعاد و راه‌های لغزش افراد به سوی کجروی و هنجارشکنی و در بعد دیگر ایجاد نفرت از وقوع انحرافات و جرائم اجتماعی. کارگزاران رسانه‌های جمعی می‌بایست با حساسیت ویژه‌ای، از ارزش‌های عام و هنجارهای نهادینه شده اجتماعی پاسداری نمایند و برای تحقق عینی آن با سایر نهادهای فرهنگی هماهنگی کرده و تمام امکانات را برای حفظ کرامت انسانی بکار گیرند.

طبیعی است، هر گاه که ارزش‌ها و باورهای جامعه مصون بماند، وفاق و همبستگی اجتماعی بیشتر تضمین خواهد شد، زیرا ارزش‌ها و باورها از مهم‌ترین عوامل همبستگی اجتماعی کنش‌گران اجتماعی محسوب می‌شوند و چنانچه هر روز، به بهانه‌ای خاص یکی از ارزش‌های عام به طور بی‌رحمانه از سوی خرده فرهنگ‌های کجرو مورد هجوم قرار گیرد، بنیان‌های وفاق و همبستگی اجتماعی تضعیف شده و جامعه تا هنگامه شکل‌گیری هنجارها و ارزش‌های نوین، آسیب‌های فراوانی خواهد دید.

بنابراین رسانه‌ها با تبیین ابعاد انحرافات، وفاق و همبستگی اجتماعی را بیشتر خواهند کرد.

صفحه حوادث روزنامه‌ها هشدار می‌دهد به مردم است تا بدون توجه و آگاهی به هر کسی و هر چیزی اعتماد مطلق نداشته باشند، نقل این حادثه که: دختر جوانی به علت تأخیر مجبور می‌شود از وسائل نقلیه شخصی استفاده کند و راننده که

رسانه ها و انحرافات اجتماعی

آدم‌ربای حرفه‌ای بوده است به بهانه این که راه اصلی ترافیک است، از راه‌های فرعی دختر را می‌رباید.<sup>۹</sup> می‌تواند دختران جوان جامعه را نسبت به این خطرات هشیار نماید و نوعی زیرکی و دقت را در روابط اجتماعی افراد آموزش دهد.

۲-۲) قانون‌شناسی و کیفرشناسی

قوانین در هر جامعه‌ای مبنای اصلی نظم اجتماعی محسوب می‌شوند، به طوری که بدون وجود قوانین، نظم و انتظام اجتماعی میان افراد، سازمان‌ها و نهادهای مدنی غیر ممکن خواهد بود، قانون، جایگاه هر فرد را در نظام قشربندی، معین ساخته و توقعات و انتظارات را در جهت منطقی هدایت می‌کند، قانون نه تنها رابطه میان کنش‌گران را تعریف می‌کند، بلکه روابط میان نهادها و گروه‌های اجتماعی را نیز در سطح کلان مشخص نموده و برای کسانی که از آن تخطی می‌کنند، کیفر و مجازاتی را معلوم کرده است.

کارکرد مهم رسانه‌ها در این زمینه، شناساندن قانون و کیفر آن به کنش‌گران اجتماعی جهت کاهش میزان ارتکاب جرائم می‌باشد. وجود قانون در کتب قانون، نظم اجتماعی را به ارمغان نمی‌آورد، تبیین و انتقال فرهنگ قانون‌گرایی به عاملین اجتماعی، آنان را هنگام مواجهه با جرم و زمینه‌های آن واکنش می‌کند.

وسائل ارتباط جمعی می‌بایست با ارائه فوائد و منافع قانون، روحیه قانون‌گرایی را ترویج نمایند و نشان دهند که به عنوان ایدئولوژی توجیه‌گرا برای عملکرد قدرتمندان و حاکمان عمل نمی‌کنند، بلکه تذکرات قانونی را به عنوان مبنای نظم اجتماعی مطرح می‌نمایند.

ارائه گزارشی از ضوابطی که قانون عرضه می‌کند و کیفری که قانون برای متخلفان معین ساخته است، کارکرد ارزشمندی است که رسانه‌ها در عصر ارتباطات بر عهده دارند.

رسانه‌های جمعی از طریق تبیین قانون و مقررات می‌کوشند تا رفتارهای افراد را در مسیر هنجارهای تعریف شده جامعه رهبری نمایند و به افراد بیاموزند که هر گاه فرد رفتارهای خود را بر اساس هنجارها و قواعد اجتماعی تنظیم نماید، از طرف

جامعه پاداش داده می‌شود؛ بالطبع کنش گران اجتماعی نیز درمی‌یابند برای رسیدن به خواسته‌های خود می‌بایست به رفتارها و هنجارهایی روی بیاورند که قانون معین کرده است. رویه آموزش غیر مستقیم قانون، همچنین می‌تواند احترام درونی به قانون و احساس تقدس نسبت به قانون را در بین اعضای جامعه ایجاد کند، به طوری که قانون را به عنوان امری مقدس و غیر قابل تخلف تصور نمایند. به عبارت دیگر رسانه‌ها، از طریق اقتناع و رسوخ به ذهن انسان‌ها، به درونی‌سازی، جذب و پذیرش قلبی هنجارها می‌پردازند.

رسانه‌ها با نمایش کیفرهایی که برای مجرمان در برابر تخلف و تخطی از قانون در نظر گرفته شده است، می‌توانند در کاهش جرم تأثیرگذار باشند. تا هنگامی که مجرم، از مجازات‌های قانونی هنجارشکنی تصور روشنی در ذهن خود نداشته باشد و تنها به منافع و مزایای تخطی از مقررات بیندیشد، انگیزه ارتکاب جرم در او تشدید می‌شود، بدین لحاظ رسانه‌ها موظفند که شناخت همه جانبه‌ای از مضرات و زیان‌ها و عواقب جرم را در اختیار اعضای جامعه بگذارند و به این وسیله، انگیزه ارتکاب جرم را کاهش دهند.

برای عینیت بخشیدن به دو کارکرد فوق، بهترین راه، ارائه الگوهای جذاب، امروزی و متناسب با نیازهای انسان معاصر است. رسانه می‌تواند از طریق نشان دادن عواقب انسان‌های مجرمی که دچار کجروی شدند، زشتی و قبح گناه و جرم را در ذهن مخاطبان ترسیم نماید و مایه عبرت‌آموزی انسان‌ها باشد، بررسی شواهد تجربی ذیل این کارکرد اجتماعی رسانه‌ها را بهتر تبیین می‌کند:

۶- تن از اراذل و اوپاش محله یافت‌آباد که پس از کشاندن یک دختر ۱۳ ساله به منزل مسکونی‌شان وی را مورد آزار و اذیت جنسی قرار داده بودند، با رأی قاضی مجتمع قضایی شهید مطهری به ۴۵ ضربه شلاق در ملا عام محکوم شدند.<sup>۱۱</sup>

۷- زن جوانی که به خاطر انتقام جویی از همسرش وی را با ضربات متعدد چاقو به قتل رسانده بود، پس از برگزاری چندین جلسه محاکمه به قصاص نفس محکوم شد.<sup>۱۱</sup>

۸- متهمان اختلاس ۲۰ میلیارد ریالی از بانک مسکن روز گذشته محاکمه شدند.<sup>۱۲</sup>



## رسانه ها و انحرافات اجتماعی

انعکاس و بازتاب این گونه انحرافات اجتماعی، موجب می شود تا جامعه با کیفر مجرمان در قانون آشنا شده و نیز عواقب انحرافات اجتماعی را با دقت بیشتری نظاره کنند.

### ۲-۳) کنترل اجتماعی

هر نظام اجتماعی برای حفظ ارزش ها و هنجارهایش مکانیسم هایی را تعبیه می کند، تا کنش گران اجتماعی بدون هیچ احساس فشاری نسبت به هنجارهای اجتماعی پایبند شده و از معیارهای پذیرفته شده جامعه عدول نکنند.

در تعریف کنترل اجتماعی گفته اند: کنترل اجتماعی<sup>۱۳</sup> به مجموعه شیوه ها، تدابیر و وسایلی اطلاق می شود که یک جامعه یا یک گروه در راه تحقق اهداف خود و هدایت افرادش به رعایت آداب، شعائر، مناسک و هنجارهای پذیرفته بکار می گیرد.<sup>۱۴</sup> کنترل اجتماعی به دو شیوه انجام می شود: یکی از طریق فشارهای اجتماعی که ابزار آن همان «قوانین و ضمانت اجرای» آن است و دیگری از طریق «اقناع» می باشد که افراد را به رعایت هنجارها ملزم می کند.

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام یکی از مهم ترین ابزارهای کنترل اجتماعی می باشد. با این نگاه جامعه شناختی، رسانه های همگانی نیز، دارای کارکرد کنترل اجتماعی هستند. رسانه ها با درج و انعکاس نابهنجارهای اجتماعی و عواقب شومی که در انتظار افراد کجرو قرار دارد، به طور غیر محسوس، اقدام به کنترل و پیشگیری از نابهنجاری ها در جامعه می کنند. رسانه ها عمدتاً از طریق اقناع پذیری بهتر می توانند در کنترل اجتماعی مؤثر باشند.

وقتی که چنین خبری در مطبوعات درج می شود که: مدیر عامل یک شرکت تجاری بین المللی به اتهام قاچاق تجهیزات پزشکی به جزای نقدی (۲۰ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال) محکوم شد،<sup>۱۵</sup> سایر مدیران اقتصادی که در معرض فسادهای مالی قرار گرفته اند، حداقل در موارد یاد شده احتیاط بیشتری خواهند کرد.

## ۴-۲) پیشگیری از جرم

عملکرد رسانه‌ها در شکل دادن به تعریف جرم و کجروی، نقش آنها را در ایجاد تغییرات قانونی و تقویت انواع خاص از راهکارهای عملیاتی پلیس، به نقش بسیار مؤثری بدل می‌کند، به طور مثال می‌توان به وضع قوانین مربوط به منع عبور و مرور جوانان و اتخاذ شیوه‌هایی جهت کنترل اماکن خاص اشاره نمود.<sup>۱۶</sup>

## ۳- کارکردهای منفی

وسا ئل ارتباط جمعی می‌توانند در ارائه و عرضه انحرافات اجتماعی، کارکردهای منفی و اثرات مخربی را برای جامعه داشته باشند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

## ۳-۱) تحدید مفهوم جرم

رسانه‌ها تأثیر بسزایی بر تصویر کلی از جرم در جامعه دارند تا آنجا که تصورات و پنداره‌های موجود درباره جرم عمدتاً محصول رسانه‌هاست. رسانه‌ها معمولاً جرم را در قالب نوعی جرم خیابانی<sup>۱۷</sup> معرفی می‌کنند، مفهومی که با ایجاد رعب و وحشت در میان افراد جامعه گره خورده است و خشونت رکن عمده آن می‌باشد.<sup>۱۸</sup> بدین ترتیب جرائم دیگری نظیر تخریب محیط زیست، حیف و میل اموال عمومی، جرائم مربوط به بهداشت و امنیت غذایی و ... کمتر مطرح می‌شود.

## ۳-۲) ایجاد امواج جرم

رسانه‌ها اغلب جرم را در قالب موج‌هایی برجسته و متمایز و به تعبیر نویسندگان، امواج جرم<sup>۱۹</sup> به تصویر می‌کشند، بدین شکل که با ارائه گزارش‌های مکرر از ارتکاب برخی اشکال خاص جرم شامل جرم خیابانی مانند ضرب و شتم، تجاوز به عنف و قتل، موجب می‌شوند که توجه افکار عمومی با شدت

## رسانه ها و انحرافات اجتماعی

بیشتری، به این دسته از جرائم جلب شود. نکته جالب توجه آن است که برای تحقق مفهوم امواج جرم، ضرورتی وجود ندارد که موارد وقوع یک رفتار مجرمانه در عمل نیز افزایش داشته باشد، بلکه کافی است که در افکار عمومی این تلقی ایجاد شود که این موارد با شدتی توجه برانگیز رو به فزونی است.<sup>۲۰</sup>

### ۳-۳) عادی سازی هنجارشکنی

تا زمانی که ناهنجاری در نظر کنش‌گران اجتماعی، امری زشت و غیر منطقی جلوه کند، میزان ارتکاب انحراف اجتماعی و خروج از هنجارهای اجتماعی کاهش خواهد یافت. انعکاس کجروی‌های اجتماعی در رسانه‌ها در کاهش نفرت از انحرافات و عادی شدن نابهنجاری در جامعه تأثیر بسزایی دارد، زیرا فرد ضمن اطلاع از نقض هنجارها توسط رسانه‌ها، درمی‌یابد که هنجارهای اجتماعی که به نظر وی غیرقابل تخطی بودند، قابل شکستن و تخلف هستند، لذا انگیزه ارتکاب جرم در فرد تقویت می‌شود و این یکی از کارکردهای منفی بیان کجروی‌ها و انحرافات اجتماعی در رسانه‌ها است. به طور نمونه دختر شهرستانی که از پدیده فرار دختران از خانه اطلاع چندانی ندارد، با شنیدن یا دیدن خبر مربوط به فرار دختران متوجه می‌شود که این کار می‌تواند یکی از راههای رهایی او از برخی مشکلات و تضادهای خانوادگی باشد و هنگامی که در کانون خانواده، احساس ناامیدی و سرخوردگی و خلأ عاطفی به او دست می‌دهد، ممکن است همان راهی را برگزیند که برخی دختران برای رهایی از رنج‌های خانوادگی انتخاب کرده بودند.

### ۳-۴) گسترش خشونت و پرخاشگری

ژان کازنو، صاحب‌نظر در علوم ارتباطات در خصوص برداشت از مفهوم خشونت می‌گوید: از دیدگاه ما عمل خشونت‌آمیز، عملی خواهد بود که با رفتار تهاجمی به خصوص از نظر «جسمانی» و یا حداقل «بیانی» همراه گردد.<sup>۲۱</sup>

امروزه خشونت و پرخاشگری در میان جوانان شایع شده است که معلول علل و عوامل متعددی است. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که رسانه‌های جمعی در این زمینه تأثیر بسیاری داشته‌اند، زیرا رسانه‌ها با تبلیغات کالاهای رنگارنگ، زندگی مرفه را آرمان و هدف مخاطبان ترسیم می‌کنند، در حالی که این هدف با شغل و درآمد مخاطبان قابل دسترسی نیست، در نتیجه میان اهداف و ابزار مشروع دستیابی به این اهداف فاصله ایجاد می‌شود، (یعنی فرد احساس محرومیت می‌نماید) این وضعیت منجر به خشونت و پرخاشگری در میان افراد می‌گردد. به عبارت دیگر رسانه‌ها موجب می‌شوند که میل به مصرف کالاهای لوکس در بین مردم افزایش یابد، اما وقتی این میل و تقاضا امکان ارضاء ندارد، در نتیجه به خشونت تبدیل می‌شود و یا فرد را به انجام عملی غیر قانونی نظیر سرقت جهت دستیابی به کالاهای تبلیغی ترغیب می‌نماید.

نمایش فیلم‌های جنایی نیز از سوی دیگر روحیه خشونت، تندخویی و ارتکاب جرم را به مخاطبان خود القاء می‌نماید و موجب بروز رفتارهای خشونت‌آمیز می‌گردد. انتشار اخبار مربوط به قتل و بیان راهها و شیوه‌های ارتکاب این جنایات موجب بدآموزی، گسترش و نهادینه شدن این روش‌ها در جامعه می‌شود.

محتوای خشونت بار رسانه‌ها به بروز رفتارهای خشن در افراد جامعه دامن می‌زند و ممنوعیت‌های اخلاقی و اجتماعی بکارگیری خشونت را کمرنگ می‌کند. صاحب‌نظران ارتباطات سازوکارهای تحریک کننده خشونت را شامل بازداری زدایی (کاهش خودداری بینندگان از انجام اعمال پرخاشگرانه)، حساسیت زدایی (افزایش تحمل بینندگان و قبول خشونت) و برانگیختگی زایی می‌دانند. آنها معتقدند که رسانه‌ها قادرند فنون ارتکاب جرائم را آموزش دهند، جرائم را مهیج و لذت بخش جلوه دهند، ارضا شدن آنی را ترویج دهند و فرد را به همانند سازی با مجرم ترغیب کنند، البته جرم زایی رسانه‌ها به تعامل محصولات رسانه ای (خصوصیات جرائم و مجرمان آن)، بافت رسانه‌ها (مقدار پوشش رسانه‌ای، سبک‌های ارائه، حمایت از ارتکاب جرائم) و بافت اجتماعی (هنجارهای فرهنگی موجود، گرایش‌های مصرف کنندگان، فرصت‌های ارتکاب

جرم و تعداد خلافکاران موجود) بستگی تام دارد.<sup>۲۲</sup>

### ۳-۵) اشاعه فحشا و بی بندوباری

یکی از کارکردهای رسانه‌های جمعی، مفهوم سازی و به تبع آن، شکل دادن به هنجارهای مناسب با آن مفهوم می‌باشد. براین اساس ارائه تصاویر مستهجن و مبتذل و خلاف عفت عمومی از طریق رسانه‌های جمعی و نگارش متون خلاف اخلاق و پورنوگرافی می‌تواند منجر به گسترش جرائم به ویژه از نوع جرائم جنسی گردد.

قرآن کریم در مورد خطر اشاعه زشتی‌ها در جامعه اسلامی هشدار داده و می‌فرماید: «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین امنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و الاخره و الله یعلم و انتم لا تعلمون»<sup>۲۳</sup> «کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم بایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنها در دنیا و آخرت است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید».

گسترش فحشا در این آیه شریفه مورد مذمت قرار گرفته است، البته در قرآن کریم، واژه فحشا در خصوص انحرافات جنسی استفاده شده است، اما از نظر مفهوم لغوی، «فحشا» به معنی هر گونه رفتار و گفتاری است که زشتی آن بزرگ باشد.<sup>۲۴</sup>

پس از دیدگاه و منطق قرآن، بازگو کردن زشتی‌ها و ترویج و ارائه آنها، مورد نهی قرار گرفته است، زیرا موجب آشکار سازی زشتی‌ها و برملا کردن آنها می‌شود. امام رضا(ع) می‌فرماید: «المدیح بالسیئه مخذول و المستتر بالسیئه مغفور له» «آن کس که گناه را نشر دهد، مطرود است و آن کس که گناه را پنهان می‌دارد، مشمول آمرزش الهی است».<sup>۲۵</sup>

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «من اذاغ فاحشه کان کمبتدئها» «کسی که کار زشتی را نشر دهد، همانند کسی است که آن را در آغاز انجام داده است».<sup>۲۶</sup>

## ۳-۶) تضعیف اعتماد اجتماعی

اعتماد اعضای جامعه به یکدیگر، سرمایه اصلی تعامل اجتماعی است؛ تعاملی که برای رفع نیازهای زیستی و اجتماعی اعضای جامعه صورت می‌گیرد، لذا تضعیف این اعتماد مشکلات عدیده‌ای را در مراودات اجتماعی و تأمین خواسته‌های افراد ایجاد خواهد کرد. اما در هر صورت ممکن است اعتماد اجتماعی تضعیف شود که یکی از عوامل آن، ترویج انحرافات اجتماعی از طریق رسانه‌ها است. زیرا ذکر انواع انحرافات از رسانه‌ها و اعلام رشد سرسام آور آن، منجر به ایجاد روحیه سوء ظن و شک نسبت به سایر افراد جامعه می‌شود و احتمال وقوع این انحراف را از سوی تک تک اعضای جامعه تقویت می‌نماید و روحیه اعتماد عمومی را تضعیف می‌کند، در نتیجه تعامل اجتماعی دچار اختلال می‌شود.

انعکاس انحرافات اجتماعی علاوه بر سست کردن اعتماد اجتماعی، موجب عدم احساس تعلق جمعی می‌شود و روابط اجتماعی افراد را دچار مشکل می‌کند. رسانه‌ای کردن جرائم بر نهاد خانواده نیز اثرات مخربی دارد، به طور نمونه پدران و مادران را نسبت به رفتار فرزندانشان بدبین می‌کند، چرا که والدین احتمال می‌دهند که انجام این انحراف اجتماعی که از طریق رسانه منعکس شده است، در مورد فرزندان جوان خانواده وجود دارد، این نگرش منجر به تضاد و ناسازگاری‌های خانوادگی خواهد شد.

رسانه‌ها گاه با انعکاس آمار و ارقام اغراق آمیز جرائم، می‌توانند اعتماد اجتماعی را نسبت به نظام سیاسی تضعیف نمایند. به طور نمونه انعکاس پرونده‌های کلان اختلاس‌های عمومی و یا پرونده‌های مربوط به رابطه میان حاکمیت و مردم می‌تواند منجر به سلب اعتماد گردد.

هر چند نمی‌توان ضرورت برخورد قوی با متخلفان را در هر سطح و نهادی انکار نمود، اما رسانه‌ای کردن این گونه حوادث به بی‌اعتمادی مردم از حکومت منجر شده و اقتدار و مشروعیت مدیران صالح نظام را نیز از بین برده و در نتیجه نظام سیاسی کشور، کارکرد کنترلی و پویایی خود را از دست خواهد داد.

### ۷-۳) شکستن حریم خصوصی افراد

هر چند افراد جامعه بر اثر داشتن ارتباطات اجتماعی وسیع با کنش‌گران، دارای وجوه مشترک رفتاری هستند، اما هر یک از آنها دارای حریم خصوصی می‌باشند که مربوط به امور شخصی و خانوادگی و روابط میان فردی است. تمام اعضای جامعه تلاش می‌کنند این حریم (نظیر میزان علاقه به همسر و فرزند، اختلافات خانوادگی، روابط، سلاطی، رفت و آمدها، میزان درآمد و سفرها و...) را از تیررس دیگران دور نگاه دارند. از سوی دیگر مطبوعات به جهت وظیفه خبررسانی و اطلاع‌رسانی با ورود به اسرار خصوصی افراد، به ناچار اصل ممنوعیت ورود به این حریم را نقض می‌کنند. امروزه رسانه‌ها قدرت بی‌سابقه‌ای برای درنوردیدن حریم خصوصی افراد دارند، مانند انتشار خبر کشتن یک کودک توسط والدینش، کشتن همسر به بهانه عشق با دیگری و ...

ورود در حریم خصوصی افراد از نظر بازخوردهای اجتماعی و کارکردهایی که در شکستن مرزهای خصوصی مردم دارد، دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است. به گونه‌ای که تجسس و افشای زوایای پنهان زندگی مردم برای دستیابی به اطلاعات جزئی از آنان، به شدت در متون دینی نهی و مذمت شده است.

به تعبیر دیگر اسلام می‌خواهد مردم در زندگی خصوصی خود از هر نظر در امنیت باشند. بدیهی است اگر اجازه داده شود که هر کس به تجسس درباره دیگران برخیزد، حیثیت و آبروی مردم بر باد می‌رود و جهنمی به وجود می‌آید که همه افراد اجتماع در آن عذاب خواهند برد.<sup>۲۷</sup>

این کارکرد منفی رسانه‌ها (یعنی ورود به حریم خصوصی افراد) در کشورهای جهان نیز ابعاد وسیعی یافته است، به طوری که در بهار سال ۱۹۸۹ دیوان آمریکا اعلام کرد که سازمان خبری اجازه ندارد به پرونده‌های F.B.I در زمینه تجاوزهای جنسی دسترسی پیدا کند. F.B.I برای کوتاه کردن دست مطبوعات از این نوع پرونده‌ها به دیوان فدرال متوسل شد و اعلام کرد که اگر چه این پرونده‌ها با استناد به اسناد علنی و گزارشات دستگیری‌ها و رسیدگی‌های قضایی تهیه شده است، اما کامپیوتری کردن این اطلاعات، حریم خصوصی افراد را به خطر خواهد انداخت. بر

اساس نتایج نظرخواهی موسسه گالوپ ۷۳ درصد از مردم آمریکا معتقدند که مطبوعات حریم خصوصی افراد را نادیده می‌گیرند.<sup>۲۸</sup> به هر حال همین مرزبندی حریم خصوصی از حریم عمومی جامعه می‌بایست به طور مشخص تعریف شود و به وسیله قانون، ضمانت اجرا داشته باشد و رسانه‌ها نیز خود را موظف به رعایت آن موازین بدانند.

## فرجام سخن

بررسی‌های گذشته نشان داد که رسانه‌های جمعی کارکردهای مثبت و منفی در ارتباط با تبیین انحرافات اجتماعی دارند. اینک این پرسش مطرح می‌شود که آیا رسانه‌ها مجازند تحت عنوان طرح حوادث، انحرافات اجتماعی را به ذهنیت جامعه منتقل نمایند؟ یا آنکه رسانه‌ها فقط می‌بایست نمایشگر کنش‌های مثبت مردم باشند و از انحرافات آنان سخن نگویند؟

به نظر می‌رسد منابع شناخت مردم از حوادث و مسائل اجتماعی منحصر به رسانه‌ها نیست و آنان از راه‌های مختلفی از جمله مشاهده عینی و ارتباطات کلامی با دیگران از حوادث تلخ و انحرافات اجتماعی آگاهی می‌یابند، از این رو تصور اینکه چشم و گوش مردم تنها از دریچه وسائل ارتباط جمعی به دنیای حوادث و انحرافات باز می‌شود، خیالی بیش نیست. لذا گزارش این گونه انحرافات اجتماعی توسط رسانه‌ها چنانچه با تحلیل و تبیین آسیب‌های آنها و به منظور حفظ جامعه از گسترش انحرافات صورت گیرد، امری مفید، بلکه ضروری است که ضمن افزایش آگاهی مخاطبین رسانه‌ها، موجب می‌شود که رفتار اجتماعی خود را براین اساس تنظیم نمایند و از پیامدهای کجروی‌های اجتماعی در امان باشند. قرآن کریم بارها با بیان سرگذشت اقوام گذشته از انواع آلودگی‌ها و انحرافات اجتماعی سخن به میان آورده است و مقصود از بیان آنها را عبرت‌آموزی و پیشگیری از وقوع



## رسانه ها و انحرافات اجتماعی

و تکرار آنها در بین امت اسلامی برشمرده است. قرآن کریم در سوره یوسف، داستان عشق و شیفتگی زلیخا به یوسف را با تمام جزئیات و تفصیل آن بیان کرده و انحراف اخلاقی زلیخا را با انواع مکرها و ترفندهای آن تشریح نموده است، ولی بی تردید مقصود از ارائه این گزارشها تقویت جنبه معنوی بشر می باشد. خداوند می فرماید: «و آن زن که یوسف در خانه او بود، از او تمنای کامجویی کرد، درها را بست و گفت: بیا به سوی آنچه برای تو مهیاست. گفت: به خدا پناه می برم، اوصاحب نعمت من است، مقام من را گرامی داشته، مسلماً ظالمان رستگار نمی شوند. آن زن قصد او کرد و او نیز - اگر برهان پروردگار را نمی دید - قصد وی می نمود، این چنین کردیم تا بدی و فحشاء را از او دور سازیم، چرا که او از بندگان مخلص ما بود.»<sup>۲۹</sup>

در این آیات هر چند خداوند از انحرافات اخلاقی زن عزیز مصر، سخن به میان آورده و آن را برای همه مردم بیان کرده است، اما این اطلاع رسانی را با تحلیل، تذکر و شیوه معنوی رهایی از انحرافات اجتماعی توأم ساخته است. قرآن کریم در هنگام بیان تاریخ قوم لوط، به اعمال ناشایست آنها (همجنس بازی) اشاره کرده و می فرماید: قوم لوط فرستادگان را تکذیب کردند، هنگامی که برادرشان لوط به آنان گفت: آیا تقوا پیشه نمی کنید؟... یا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس ذکور می روید و همجنس بازی می کنید و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده رها می کنید؟<sup>۳۰</sup>

قرآن کریم انحراف اجتماعی آن قوم را ذکر کرده، ولی در ضمن بیان این انحراف جنسی، به راه درمان آن (یعنی ازدواج) اشاره می کند. همچنین موارد دیگری همانند قتل هابیل توسط قابیل در قرآن ذکر شده است، ولی به جهت اینکه در کنار نقل این خبر، مضرات و پیامدهای آن انحراف تحلیل و تبیین می شود، از اشاعه فحشاء، شکستن قبح گناه... و سایر کارکردهای منفی که در این رابطه وجود دارد، جلوگیری می شود.

با استشهاد به آیات گذشته، ملاک نقل و گزارش انحرافات به طور گسترده مشخص می شود. این ملاک همان طور که در مورد قرآن وجود دارد، در مورد

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

رسانه‌های جمعی هم محقق است و آنها باید در کنار ذکر حوادث، به جنبه عبرت‌آموزی حوادث جهت پیشگیری از وقوع انحراف توجه داشته باشند و در این راستا، به تحلیل انحرافات و راه‌های مبارزه با آن و شیوه‌های جایگزینی مثبت آنها اشاره نمایند و اگر به صرف نقل و ذکر انحرافات اکتفا شود، افزایش دامنه و نوع کارکردهای منفی رسانه‌ها دور از انتظار نخواهد بود.

پی‌نوشت‌ها:

1- Social deviation.

2- Mass Media.

5- Function.

13-Social control.

17- Street crime.

19- Crime waves.

۳- گولد، ص ۴۳۶.

۲- لازار، ص ۱۳۶.

۶- توسلی، ص ۲۱۷.

۷- اسکیدمور، ص ۱۴۱.

۸- ساروخانی، جامعه‌شناسی ارتباطات، ص ۷۲.

۹- روزنامه انتخاب، ۳۸ آذر، ش ۱۰۵۶.

۱۰- همان، ۲۰ آذر ۸۱، ش ۱۰۳۹.

۱۱- همان، ۱۹ آبان ۸۱، شماره ۱۰۲۴.

۱۲- همان، ۱۵ آبان، ش ۱۰۲۱.

۱۳- ساروخانی، دائرة المعارف علوم اجتماعی، ص ۶۹۸.

۱۵- انتخاب، ۱۷ آذر ۸۱، ش ۱۰۶۴.

۱۶- سلیمی و داوری، ص ۱۶۰.

۱۸- سلیمی و داوری، صص ۱۵۹-۱۵۸.

۲۰- سلیمی و داوری، صص ۱۶۰-۱۵۹.

۲۱- کازنو، ص ۱۱۷.

۲۲- فیروزبخت، صص ۲۳۱-۲۳۰.

۲۳- نور، ۱۹.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

- ۲۴ - مکارم شیرازی، ج ۱۴، ص ۴۰۳.  
 ۲۵ - کلینی، ج ۲، ص ۴۲۸.  
 ۲۶ - همان، ص ۳۵۶.  
 ۲۷ - همان، ص ۱۸۴.  
 ۲۸ - رسانه، سال هفتم، ش ۳، ص ۴۹.  
 ۲۹ - یوسف، ۲۴ و ۲۳.  
 ۳۰ - شعراء، ۱۶۶ - ۱۶۰.

### فهرست منابع:

- قرآن کریم  
 - اسکیدمور، ویلیام: «تفکر نظری در جامعه‌شناسی»، ترجمه علی‌محمد حاضری و دیگران، نشر سفیر، چاپ اول، ۱۳۷۲.  
 - توسلی، غلامعباس: «نظریه های جامعه شناسی»، انتشارات سمت، چاپ ششم، ۱۳۷۶.  
 - ساروخانی، باقر: «جامعه‌شناسی ارتباطات»، انتشارات اطلاعات، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.  
 - ساروخانی، باقر: «دائرةالمعارف علوم اجتماعی»، موسسه کیهان، چاپ اول، ۱۳۶۷.  
 - سلیمی، علی؛ داوری، محمد: «جامعه‌شناسی کجروی»، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۰.  
 - فیروزبخت، مهرداد: «ساخت اجتماعی جرم و خشونت رسانه‌ها به مثابه یک علت»، مجله پژوهش و سنجش، سال هشتم، ش ۲۶، ۱۳۸۰.  
 - کازنو، ژان: «جامعه‌شناسی وسائل ارتباط جمعی»، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، انتشارات اطلاعات، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.  
 - کلینی، محمد بن یعقوب: «اصول کافی»، دارالاضواء، (بیروت)، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.  
 - گولد، جولیس: «فرهنگ علوم اجتماعی»، ترجمه باقر پرهام و دیگران، انتشارات مازیار، چاپ اول، ۱۳۷۶.  
 - لازار، ژودیت: «افکار عمومی»، ترجمه مرتضی کلینی، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۰.  
 - مکارم شیرازی، ناصر: «تفسیر نمونه»، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۲.